مناسبات و کارکردهای قدرت در رمان اجتنبه الفراشة از
محمد سلماوی (بر اساس دیگر کنشی گراماس و نظریه گفتگو میشل فوکو)

خبریه عجرش*، حسن دادخواه تهرانی**
صادق سیاوش***، علی عدلانی نسب****

چکیده
تحلیل گفتگوی گراماسی بین رشاهی در مجموعه دانشگاه علوم انسانی و علوم اجتماعی است که که از اواسط دهه ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ طراحی گردیده است. این اصطلاح را نخستین بار رژیم هرسی به کار گرفته و بر اساس محتوایی از روایی قدرت و انفجاری اطلاعات می‌شورد. در تحلیل گفتگوی تولید یک این‌دلوزی خاص بررسی می‌شود. نگاه علی و کاربردی به‌عنوان قدرت توافقی در این آزمایش منجر به ارائه نظر است. این بررسی به‌عنوان تحلیل گفتگوی بین اساسی گراماسی کنشی و مربع معاشقانه گراماس و نظریه ساختار داستان و ارتباط بین ساختار و من اثرات در سریکی داستان بین اساس نتبین و مربع معاشقانه ان درونی شد و سپس با نفوذ به نظریه گفتگوی فوکو موضوع قدرت و بررسی ارتباطات ساختاری و کلامی آن در من نتبین شد. نتایج جاکی از آن است که گفتگویی بر منابع ساختار و پیروی دقیق سری‌نجعل در داستان را به‌عنوان یک اشاره به اشکال منتشری باید کرد و سه فاصله گفتگو به‌عنوان به‌عنوان پیش روی آن‌ها مشخص شده است. در سریکی فعالیت گفتگوی و سپس در روی آن‌ها از یک سو و مربع معاشقانه از رمان از سوی دیگر قدرت رسمی اساسی دارد. در این رمان همه‌شان بین‌بسته به نظام قدرت، قدرت و مردم و ارتباطات بین آن‌ها تلقی می‌شود. این قدرت بر مردم و کنترل آنها برداشته و این انتقادات بر عملی قدرت حاکم به مردم به‌عنوان ما به‌عنوان به‌عنوان دفاع مردم است.

واژگان کلیدی:
گفتگوی، گراماس، میشل فوکو، رمان اجتنبه الفراشة، محمد سلماوی

* استاد رgio زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید حمزة اهواز
** استاد رgio زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید حمزة اهواز
*** استاد رgio زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید حمزة اهواز
**** دانش اموخته دکتری ریان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید حمزة اهواز (نهضت سیاستی)

echirsh_kh@yahoo.com
dadkhah1340@yahoo.com
Dr.s_sayyahi@gmail.com

ali.edalati85@gmail.com
مقدمه

تحلیل متن ادبی از دیدگاه روان‌داشت و فهم متن ادبی همزاد بوده است. تحلیل متن در گذشته به‌شکلی حوزه کلمه و جمله و توجه به نکات بلاغی متن ادبی بوده است، ولی با آغاز قرن بیستم و در اثر درک‌های زبان‌شناختی مقدمه به‌دست آمده است. نظریه‌های شیوه تحلیل کریتیکال دیسکورس آنالیز (critical discourse analysis) و انقباضی (narration discourse analysis) است. مفهوم گفتگوی انسان و نگاه به صورت یکی از مفاهیم کلیدی و پرکاربرد در تفکر فلسفی، اجتماعی، و سیاسی و ارتباطی انسان در آزاده و با مفاهیم چون سلطه، وزر، قدر، مهاجرت، نزد پرسنی، تبعید جنسی، نابرابری قومی و غیره عجین گشته است. (عکاشی، ۲۰۰۵: ۱۱۱).

رمان به دلیل توجه به دگرگونی‌ها و توسعه حقیقی، نگرش نوین‌شناسی در بردارد؛ زیرا جدی‌ترین قالب‌ها از جهت درآمیختن با ابعاد اجتماعی و فرهنگی بره شمار می‌روید و اهمیت آن در عرصه ادبیات انسان بیشتر آشکار می‌شود که جامعه دیگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی شونده (پور ۹۷: ۱۴۰). رمان بیش از هر قالب ادبی نوان توصیف و ترسیم این تحولات را دارد و به همین سبب بسیاری از منتقدان، ادبیات داستان‌پیشی رمان را با آفرینی واقعیت دانسته‌اند (میرصادقی ۱۳۸۷: ۱۳۱۴–۱۳۱۹).

داستان و گسترش‌گی آن در ادبیات مثل گوناگون، چاگیاگ و اهمیت ویژه‌ای دارد.
پژوهشگاه تقدیم عربی شماره ۱۳ (۱۳۸۶)
باید و توجه به منظور نقش مهمی در شکل‌دهی به پیشرفت فرهنگی و اجتماعی جامعه معاصر دارد. از انجایی که تقد و پرورش منظور یکی از دریچه‌های رسیدن و به بالندگی و شکوفایی ادبیات است و با توجه به اینکه ادبیات و تقد در تولید و تقویت یک ایده‌پردازی نقش پسانتی دارد، توجه به منظور و تقد آنها امری مهم و ضروری است. بنابراین، این است که بر اساس نظریه تحلیل گفتگوی روابط رمان و اباد مختلف آن، میزان تقدت نویسندگان در داستان‌برداری، نویسنده حواضد، خلق شخصیت‌ها، این گونه و نیز کشف حقیقت و چهانپیوندی نویسندگان تجربه‌ای اجتماعی است که در این‌گونه بازماندگی آن در متن را بر اساس گوگی کنشی گرمسار و نظره قدرت میشل فوكو، مورد بررسی قرار دهد و ایده‌پردازی و فکر حاکم بر رمان را تحلیل کند.

در مورد تحلیل گفتگوی و تحلیل گفتگو انطباقی پژوهش‌های بسیاری در قالب کتاب و مقاله صورت گرفته که از منابع مهم مورد استفاده در این پژوهش است. این جمله آثار نوشته شده در این زمینه می‌توان به پایان نامه دوره دکتری هادی صحت (1392) با عنوان «بررسی نظام روابط داستان‌های کوتاه در ادبیات پایداری لیبرال» (1382، نا 2006) بر اساس الگوی گریماس» نشانه معناشناسی ساختار روابط داستان و ما تشویق» بر اساس نظریه گریماس (صحت و همکاران، 1391)، از نشانه‌شناسی پیشگامی نشانه معناشناسی گفتگوی، روش مطالعه گفتگوی و گفتگوی در جهت نشانه معناشناسی و بررسی انواع نظام‌های گفتگو در این‌گونه نشانه-معناشناسی؛ جمیرضا شیری، "معنا در تعامل متن و تصویر، مطالعه نشانه- معناشناسی دو شعر بیلاری از طاهره صفارزاده" حسینی قبادی و محمد هنافی "تحلیل گفتگوی شاراده کوچولو (نظام معناایی منسجم تشکیل شده از ساختارهای تودورتو، تسلسل و تکرار)"، "عبور از مریع معناهای به مریع تنشی بررسی".
نشانه متناشختی ماهی سیاه کوچولو”؛ علی عباسی و... اشاهره کرد. در مورد تحلیل آثار ادبی عربی در ایران بر اساس شوه‌های تقدیم جدید پژوهش‌های اندیکی صورت گرفته و همین امر را به ارائه این پژوهش در این زمینه سوی داد.

در مورد رمان مذکور به جز مصاحبه اینترنتی، به هیچ پژوهشی در این زمینه دست یافتیم. «محمد الحماسی» در مقاله‌ای در مجله‌ای کوتاه با عنوان «آججت دفاع از استیفای تضاهی المصربی؛ رمان بال‌های پرورانه» خشم مردم مصر را تثبیت کرد و در سخنرانی‌های مختلف رمان و محتوای آن سخن گفت و به این اشتهای داشته که این رمان صدا مردم و جوانان مصری و شوه گرد هم آمده و از راه‌های گوناگون است. به یک شخصیت‌ها به گونه‌های مختلف ارتباطات دوگانه‌ای فکری و عاطفی برقرار می‌شود که نویسنده در ورای همه اینها به دنبال فکر اساسی خود بعنی اتحاد و همدمی افراد و کشف هویت خود است (http://www.aljazeera.net/). بلافاصله رمان در صفحه اینترنتی «البیوم السبک» (news/ cultureandart/2011/2/7) صفحه‌ای را به معرفی این رمان اختصاص داده و سیر حوادث را از آغاز حركت ضحی و آشنا آن با اشراف ویژنی و درون ماهی و فکر اصلی رمان را بی‌پدید کرده است.

(News.youm7.com/story/0000/0/0/-/33809)

در حال حاضر، درجه‌بندی تحلیلی شامل پنج دسته انتخاب شده که از این رمان بر اساس گفتگوهایی که به کار گرفته‌ام و در زبان شناسی و ساختار ساختن فکری - مانند گفتگوها و مصاحبه‌ها و}

گفتگو روابط

اصطلاح «تحلیل گفتگو» نخستین بار در سال 1952 در مقاله‌ای از زبان شناسی معروف انگلیسی زلک هرس به کار رفت این مقاله دیده صورت گرفته از جمله به دست داده و تحلیل گفتگو را برآور نکه‌ای صورت گرفته (و ساختار گفتگو) به جمله و متن برسر می‌شود. بعد از هرس، بسیاری از زبان‌شناسان تحلیل گفتگو را نقطه مقابل تحلیل متن دانسته. اینها به اعتقاد این عده تحلیل گفتگو شامل تحلیل ساختار زبان گفتاری - مانند گفتگوها، مصاحبه‌ها و
سخنرانی‌ها و تحلیل متن شامل تحلیل ساختار زبان نوشته‌ای – مانند مقاله‌ها. داستان‌ها، گزارش‌ها و غیره – است. دیری نگذشت که بعضاً از زبان‌شناسی مفهوم گفتنی را در معانی متفاوت به کار برندند. دسته‌ای با توجه به توجه که تحلیل گفتنی بیشتر به کارکرد یا ساختار جمله و کشف و توصیف روابط آن می‌پردازد.

(بقطین، 1977: 17).

یکی از علمی‌های با بالاتر گفتگو از نسبت نزدیکی دارد. روایت‌شناسی است. روایت‌شناسی دانشی توزیع است که توزیع توده‌ریزی، نظر اپرا، و منتقد ادبی ساختارگری. آن را به عنوان دانشی و نظریه‌ای برای بررسی تمام روایت‌ها و دستور زبان آنها وضع کرده است و برای اولین بار این اصطلاح را در کتاب دستور زبان دکتریون به کار برده‌ام. در عمل ساخته طولانی‌تری دارد و باهمی‌های آن قبالاً توسط دیگر صاحب‌نظران طرح ریزی شده بود (بارت، 1387: 10). تاریخچه‌ی روایت‌شناسی به عهد باستان و فیلسوفان مانند افلاطون و ارسطو بر می‌گردد که هر کدام به نوبه خود نظراتی در باب روایت‌شناسی داشته‌اند. ارسطو با فن شعر حکمت خشکی گام را در این زمینه برداشت. ارسطو میان بارنامه‌ای یک داستان توسط راوی و پرداختی آن توسط شخصیت‌ها تمایز قائل شده بود. در بارنامه‌ای یک داستان توسط راوی، متن، روایی و در بارنامه‌ای آن توسط شخصیت‌ها متن، نماپی است و توسط شخصیت‌ها به نمایش درمی‌آید؛ این نخستین گام در قلمرو روایت‌شناسی بود (فاضلی‌پور، 1385: 23). برای یکی از روایت‌شناسی‌های باید به تاریخچه‌ی شکل گیری نظریه‌های ادبی جدید که در تکوین این علم مولث بوده‌اند، توجه کرد. در این کتاب می‌توان تاریخ روایت‌شناسی را به سه دوره تقسیم کرد: دوره‌ی پیش‌ساختارگر دو دوره‌ی ساختارگر، دوره‌ی ساختارگری دو دوره‌ی پس‌ساختارگر (مکاکی، 1385: 149).

دوره ساختارگری در تاریخ روایت‌شناسی مهم‌ترین نظریات روایت را در برداشت که متأثر از الهی زبان‌شناسی نوین یاکوبسون و پیش از آن نظری‌های زبان‌شناسی
ساختاری سوسپل بود. نظریه ساختارگرایی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۷۰ پدید آمد و در رشته‌های مختلف جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی، نقد ادبی، تاریخ، مردم‌شناسی و موارد دیگر، مورد استفاده قرار گرفت. این نظریه برای تحلیل مسائل جامعه‌ای و اجتماعی می‌تواند به‌عنوان یک روش کاربردی به‌شمار رود.

به‌طور کلی، نظریه ساختارگرایی در سه گروه بررسی می‌شود: ۱) ساختارگرایی علمی‌سازی و تحلیلی: در این گروه، ساختارگرایی به‌عنوان یک روش تحلیلی و علمی به‌کار می‌رود. ۲) ساختارگرایی اجتماعی: در این گروه، ساختارگرایی به‌عنوان یک روش اجتماعی و تحلیلی به‌کار می‌رود. ۳) ساختارگرایی اقتصادی: در این گروه، ساختارگرایی به‌عنوان یک روش اقتصادی و تحلیلی به‌کار می‌رود.

در نهایت، نظریه ساختارگرایی به‌عنوان یک روش تحلیلی و علمی به‌کار می‌رود. این روش برای تحلیل مسائل جامعه‌ای و اجتماعی می‌تواند به‌عنوان یک روش کاربردی به‌شمار رود.
روایت پیشنهاد کرد: همنشینی کنش مقد (فعالیت ها و کمک‌های ها). همنشینی قراردادی (قرارداد ساختن یا شکستن قراردادها) و همنشینی اغتصالی (عزیمت و ورود). وی ساختار فعال-فعل-فعل-فعل در جمله را به یک الگوی کنش تعریف می‌کند که بر مبنای ساختارهای داستانی است. این است که در نحو سنتی کارکردها همان عملکرد و نقش هستند که کلمات بر عهده دارند. فاعل انجام‌دهنده کنش است و مفعول پذیرنده آن، گراماس کار برابر را در زمانی تحلیل ساختار یش گرفت و ۴۱ کارکرد وی را به مورد کاهش داد و به چیزی هفت دسته شخصیت برابر، سه دسته دو تایی را معرفی می‌کند. الگوی کنشی (Actential model) گراماس به شرح زیر است:

۱- ارتباط خواستاری: فاعل / هدف
۲- ارتباط اطلاع رسانی: فرستنده / گیرنده
۳- ارتباط رقابتی: پاراگرای / مخالف (همان: ۱۶)

از نظر گراماس فراکتال سه گانه (فرانک ساندر نکستین - فرانک لاربارد میانی - فرانک پایبارد فراگمن) در ادبیات داستانی یکی از ویژگی‌های دابی طرح داستان است. هر داستان، حاصل به هم ریختن یک تعادل است. اگر رمان خفیف مورد نظر باشد، تمام روایت‌ها یا همان‌گونه که، الگوی آر ساختار (Super-structure) یا پایه ریزی شده اند که آن را طرح (Schema canonique) کلی یا روایت در جمله تایب به خاطر نیست می‌باشد. آن یک گروه، به این اساس رویت به این صورت تعریف می‌شود: تغییر و تحول از یک حالت به حالت دیگر؛ این تغییر و تحول از سه عنصر تشکیل شده است:

۱- عنصر زمینه چگونه تغییر و تحول را به راه می‌اندازد (پایه نیروی تغییر کننده در داستان)
۲- پیوستگی چگونه تغییر و تحول را تحقق می‌بخشد یا خیر؟
۳- عنصر دیگر که چگونه تغییر و تحول را خانمه می‌دهد (همان نیروی سامان‌دهنده در داستان) (مکونیل، ۱۳۸۸: ۷۴).
حضور یک ساختار ثابت و تغییر ناپیمود یک همان سه پاره ابتدا، مبنا و انتهایی است. در این الگو دیده می‌شود. این سه پاره حتماً باشد در خود تغییر و تحول را داشته است. در غیر این صورت نمی‌توان آن اثر را دارای یک طرح داستانی دانست، زیرا تغییر و تحول با یکدیگر همراه باشند. در این پژوهش نیز به الگو گراماس ابدا انواع کنش‌های داستان از نظر ساختار بررسی می‌شود و کیفیت سیر تحول در داستان بین می‌شود و سیس معانی اصلی مورد نظر نویسندگه و مربع معانی‌نام‌ی آن بررسی می‌گردد (خوت، ۱۴۷۵: ۸۸).

گفتمان قدرت

از نظر فوکو گفتمان‌ها نه تنها به چیزهای مربوط هستند که می‌توان درباره آنها سخن گفت با اندیشه، درباره این نیز هستند که هر کس در چه زمانی و به چه ضروری می‌تواند سخن بگوید. آنها نسجش کندن معنا و ارتباطات قدرت هستند. گفتمان‌ها درباره موضوع‌ها نمی‌گویند و آنها را تبعین نمی‌کنند، بلکه ساخته موضوع‌ها هستند و در فرآیند این ساختگی مداخله خود را پنهان می‌کنند. معانی و مفاهیم گفتمان‌ها نه از درون زبان، بلکه از دورن کارهای تشکیلاتی و ارتباطات قدرت‌های می‌گیرند. گفتمان‌ها احتمالاً تفاوت را تجربه می‌کنند. فوکو گفتمان‌ها در ارتباط با کارکرده می‌سنجد. (فولادوند، ۱۳۷۶: ۲۶؛ ضمیمان، ۱۳۸۷: ۱۳۰)

فوکو در تعریف خود از قدرت. به‌مانند اصل سازندگی نظام‌های سیاسی اظهار
مناسبات و کارکردهای ظاهر در رمان انجیه‌الفرانسه از محمد سلماوی

ما دارد که قدرت ماشین، با مکانیسمی نیست که بر روی چاوده مرده و بی حکمت عرض اندام کند؛ بلکه بر روی انسانهای زندگی که از خود ابزار عمل و اختیار دارند اعمال می‌شود. یعنی قدرت قبل از اینکه اعمال زور باشد، ایجاد نوعی رابطه است که در تعیین نهایی قدرت دخیل است. (دریفوس و رایبنو، ۱۳۷۲:۳۶) میشل فوکو معتقد است: «سؤال اساسی امرز این است که چه کسی برای ما تصمیم می‌گیرد. چه کسی نمی‌گذرد. ما فلان کار را انجام دهیم و فلان کار دگر را انجام ندهیم. چه کسی حرکات و فعالیت‌های ما را برنامه‌ریزی می‌کند، چه کسی ما را وادار به زنگی کردن در فلان محل می‌کند؟ در اینجا است که مسئلهٔ استراتژی‌های قدرت در اندیشهٔ فوکو مطرح می‌شود. استراتژی‌ها، شیک‌ها و سازوگاه‌ها و فنونی که هر تصمیمی به کمک آنهای پذیرفته می‌شود و هر تصمیمی از طریق آنها جز به همان صورت بیشتر گرفته نمی‌شود. (فوکاگورا، ۱۳۷۲:۳۳) فوکو برای توضیح روش‌های اعمال قدرت، به عناوین نمونه به بیداری زندان‌ها اشاره می‌کند و می‌پرسد: «چگونه مردم از زمان‌های نسبتاً اخیر در تاریخ به چای توسل به تبعید و شکنجه، از زندان به عنوان یک روش تثبیت استفاده می‌کنند؟» وی خودش در پایان به این سوال، به مکانیسمی اشاره می‌کند که در یپی قراردادن افراد در جای معین و محصور کردن آنها به انجام بعضی حرکات و عاداتی مشخص و محدود است، وی در سپش و گسترند فنون مطیع سازی به بیداری نویز نظام تأثیر اشارة کرده و می‌نویسد: «بدین ترتیب می‌پیمایی هرگونه یادگاری بدید می‌آید که یک بیش از پایان قرن شانزدهم وجود نداشت. می‌پیمایی که نوعی مدرس‌های شبانه روزی بزرگ از نوع مدارس مذهبی پیدا می‌آید که هنوز در قرن هفدهم نبوده. در قرن هجدهم کارگاه‌های بزرگ به وجود می‌آید که صدها کارگر در این مشغول کارند. بنابراین شاهد پیدايش و برونش فنونی برای تأثیر انسان از طریق تعیین جا و محیط کردن و مراقبت و نظارت مستمر بر فتنه و نجومی انجام وظیفه و خلاصه فن اداره کردن
مناسبت و کارکردهای قدرت در رمان انجمن افراشته از محمد سلماوی

هستیم،... زندان‌ها تنها یکی از مظاهر این فرآیند و نتیجه‌ی تعمیم این فنون، به
حوزهٔ کیفی است» (ععوضات، ۱۳۸۰، ۵۹-۶۰).

در ادبیات گفتمان، متن‌ها به منزله محصول، بر ساخته‌گفتمان تلقی می‌شود.
اشکال شدن پوپ‌نگلکستنی بازنمای گفتمان واقعیت با روابط قدرت نشان می‌دهد
که گفتمان است که به واقعیت معنا می‌دهد و آن را بر می‌سازد، بر اساس این، در
متن‌هایی که در چارچوب گفتمان تولید می‌شوند، واقعیت‌های متفاوتی خلق می‌کنند.
گفتمان به این معنا، دیگر صرفاً چیزی نبسته که به زبان سر و کار داشته باشد، بلکه
یکشته به اندیشه انضباط نزدیک می‌شود که در آن شیوه خاصی از اندهش و کردار به
منزله مصداق تقصیه‌ای خاص بپذیرفته می‌شود (فوکو، ۱۳۸۱: ۴۰). قدرت از دیدگاه
فوکو با قدرت اساسی متفاوت است. قدرت با داشتی مرتبط بین دشمنان حاکم و
فرمانبران آن مشخص می‌کند؛ بنابراین خشونت، یکی از مشخصه‌های آن است؛ در
حالی که فوکو معتقد به تأثیر در زندگی افراد است و در تنظیم، نیازمند هماهنگی
اصلاح و تغییر پایداری است. چنین قدرتی به نشان دادن خود در هنگام
ترسنگ، باید کیفیت بخش، با معیار و تحسین کننده باشد. (همان: ۵۱). قدرت در
نظر فوکو، هرگز امری بی‌رویه یا وابسته به اقتصاد و... نبست. در نظر او قدرت همه
چیز است و همه چیز را خلق می‌کند، واقعیت، قلمرو و حدود و تغییر موضوع، نحوه
کاربرد مفهوم صدق یا حقیقت، حتی خود حقیقت نیز بدون تریدید یکی از صور قدرت
است (آقا گل زاده، ۱۳۸۵: ۱۴۵).

محمد سلماوی

محمد سلماوی ترجمه، متیو مهربان در سال ۱۹۴۵ در قاهره متولد شد. او
دبیرکل اتحادیه ادبی و توبیاسنگان عرب است و آثار مهمی در جوهرهای گوناگونی ادبی
از خود به جای گذاشته است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: در عرصه نمايشنامه‌
خلاصة رمان

إين رمان غرارش زنده أز ميدان أزارد (التحرير) مصر است. اجتاحة الفراشة در يك جلد و ۲۳ قسمت نوشته شده است. در اين رمان هر شخصيت در پي دستيابي به هدف و خواسته خود است و هرکدام از انها هدف‌هاي مختلفي در سر دارد، ولي نهاتيا همه هدایب به يك هدف ختم ميشود و آن رهایي از حكومت و رسيدن به هويت و استقلال است.

ضحی) أولين شخصيت رمان است كه همسر يکي از سران ملکني است، طراح لباس است. اين اثر در مسير پروز به رمز طور تشادفي با ذكر اشرف كه يک فعال سياسي است و از مخالفان حكومت و شوهش می‌باشد. آشنا و با وی وارد گفتگو می‌شود. اشرف الزياني در گفتگوی خود از مبارزه‌هاي سياسي و سياساتي خود بر عليه حكومت، از فساد حكومت و رسانه و... صحبت می‌کند. صدق سخنان دکتر اشرف. دانشهايي كه از گذشته براي خواندن كنند، بر ضحی تأثير گذاشت و باعث می‌شود تا با اشرف صميمی شود، از او و سخنان تأثير پذیرد، نسبت به گذشته

(https://ar.wikipedia.org/wiki/%D8%AE%D8%AD%D8%A9%D8%AF_%D8%B9%D8%A7%D8%A8%DA%8A و http://www.elcinema.com/person/1105338)
و به محبیتی که در آن قرار داشت، به دیده شک بگرد. ضحی آتش‌نشان از اشرف تأثیر
پذیرفت که در نمایشگاه مد و لباس شرکت‌کرد و به دنبال سیاست روز اورد. وی از
پیله‌گذشته خود خارج شد و نه تنها دیگر خود را عضوی از خاندان حکومت نمی‌داند.
بلکه به صف مخالفان و مبارزان آن هم پیوسته است.
ایمن الحمزاوی جوانی در آغاز زندگی است. او کسي است که از وطن اصلي خود
عیوب مادرش سال‌هاي سال دور بوده است. ایمن و برادرش عبدالله سال‌هاي گمان می‌کردن
نامادرشان مادر حقیقی آنها است. ولی باعث می‌شود اسم واقعی مادرشان، «آمه‌
عبدالرحیم السعدی» است. ایمن با گمیک حاجیه حکمت مادر یکی از دوستانش
حسن. از زندگی بودن مادرش مقطعی می‌شود و برای پیدا کردن روانی طبیعی می‌شود. از
دیگر شخصیت‌های داستان، مشیره دوست ضحی، مددکرده، همسری وی و برادرش.
بله، سلیم نامزد ایمن و هاله نامزد حسن است، مشیره استاد دانشگاه است و با
اشرف و دیگر تظاهرات گوناگون رابطه نزدیکی دارد. وی از فعالان سیاسی است و مانند
سلیم، هاله و حسن در ظواهرات و مشارکت‌های مردمی حضوری فعال دارد. در پایان
داستان غیرهم خواهت‌های متفاوت داستان در آغاز کار، هدف‌ها یکی می‌شود و به
برچیدن نظام و رسیدن به هویت اصلی بعنی استقلال و آزادی ختم می‌شود.

تحليل و بررسي داستان
در این بخش یک مهمترین بخش پژوهش است. ابتدا با توجه به ابتهاج و نقش عنوان
در ساختار رمان، به بررسی عنوان پرداخته و بعد از آن کارگردان روانی رمان بر
اساس نظر گرماه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

عنوان رمان
سرآغاز و عنوان مظهری معناپذیر و فعال از ظاهرات متن ادبی است و کلیدی است که
پنهانی های نهفته در متن ادبی را باز می‌گذارد و به عنوان عقل ظاهری در جسد متن از
رمان، ۱۳۸۷: ۲۰۰۰ (سالم).پیش‌تر ناقداً بر این عقیده‌اند که عنوان رمان بعد از پایان بافت‌ان انتخاب می‌شود و نویسنده بعد از نوشتن متن رمانش، عنوان‌هایی را که بتواند محتویات داستان را در برگیرد، برای داستان خود انتخاب می‌کند و به همین علت خوانندگان جز بعد از خواندن همه رمان، به معناي عنوان پي‌نمي‌برد (یعقوبی). عنوان روايت برای ناقد آن در حکم یک كليد رمزگشaste چراکه ناقد با کمک آن با ديدگاه گام، در مورد زندگی و جامعه و افكار وی آشنا می‌شود و در حقیقت عنوان روايت بنجرایي است به سوی دیدگاه کتاب و مقوله روایت و حوارگرام و جریاناتی که در طول آن رخ مي‌دهد. (فریجات، ۱۳۸۷: ۴۸).

نویسنده این عنوان را تمدی برای رمان انتخاب کرده است و از پروانه به عنوان یک نوبه‌پیش رواي یک داستان خود بهره جسته است؛ به طوری که سرنوشت پروانه و مضمون آن در داستان با ملیت، آزادگی، خوبی، روشنگری و عکس‌برداری گره خورده است. در آغاز رمان و قبل از شروع داستان نویسنده شروع می‌کند در مورد پروانه آورده است که چالج توجه است: آنچه افرادی از گردشگری وارده است، نیاز فراوانی نمی‌یابد.”(سالما، ۱۳۹۲: ۵). در این شرایط پروانه نماش هرمال، راهنمای نور و آزادگی است که در همه جا وجود دارد و آن از بین نمی رود.

نویسنده در این رمان پروانه و نوعی از آن را که نمادی از هیوته مصر قدمی است با هیوته جویی شخصی‌های داستان خود گره می‌زند. در این رمان نویسنده شخصی‌های داستان را به گونه‌ای طراحی کرده که هرکدام در پی دستیابی به
گمشده خود هستند. ضحی کنایه که با رؤی اوردن به طراحی سنتی و اصول مصری و الاهام گیری از میراث کهن خود سعی در پی‌آوردن هیأت واقعی خود دارد و ایمن که به دنبال پیدای کردن ماد واقعی خود می‌گردد و سایر شخصیتی‌ها هکرهوی در بی‌امیدان دنیا تغییر ایست که گویی محترم برای تلاقوی کسانی است که به دنبال هیأت از دست رفته خود هستند(سالماوی، ٢٠١٢: ٥٤-٠٠-٠٥-٠٣-٦٥٢-٦٦). 

پروانه در این رمان علاوه بر شادابی و تحرک و تنوغ رنگ، تمادی از بالندگی و سرور و بازگشته به گذشته در خشونت در مصر ایست چرا که هوشمنده به عظمت و مجد گذشته مصر بر می‌گردد و با مثالی از تنوغ پرورانه و بیان کنایه در این زمینه و شاخص کردن پرورانه‌های مصری در جهان، دنبال این است که شخصیت‌ها را برای جستجوی هیأت گمشده خود محک بزنند و در این راستا ضحی کنایه که شخصیت اول داستان است با بازگشته به گذشته خود و حکایتی طولانی سعی در بیدار کردن خود از خواب غفلت دارد(همان: ٤٠-٩٨-٨٨-٩٢). پروانه و بالهجی آن نمادی از قدرت دارد تغییر است. عنوان کتاب انجمن قهرمان‌های است و نوسته‌های این عنوان را نمادی برای پویا، تغییر، تحول و آزادی دانسته و بارها در سنت از آن سخن گفته است. طرح‌های ضحی نیز در مورد پرورانه است و بعد از آگاهی از هیأت گذشته خود و پرورانه‌های مصری نگرش او به عالم پرورانه و عالمی که خود در آن قرار داشت عوض می‌شود و در مرحله سوم سراتو نویت به نقش پرورانه می‌رسد و این را دکتر اشرف در سخنرانی خود با الاهام از نظریه لورن بیان می‌کند که هر پرورانه هر چند هم کوچک باشد در کلیت آب هوایی چهان تأثیر گذار است و حرکت بالا یک پرورانه در یک گوشه از جهان ممکن است باعث وزش بادها در گوشه دیگری شود: 

«بازار لورن تقول بأن لكل فراشة - مهمه، صغر حجمها - تأثیر بالا في الأصدام في العالم، فإذا رفرف فراشة، بحجابها في جانب من الكرة الأرضية أثرت في حركة»
الربابی به‌شكل ما في جانب الآخر (سلماوی، 2012: 10) در این قسمت نویسنده با تضمین این گفته و با الافام از این نظریه در قالب گفته‌های دکتر اشرف و با توجه به بافت و موضع این که مشارکت در آن قرار دارد از آن جهت اهداف خود استفاده می‌کند و آن هدف هم ایجاد تغییر است و اینکه هر کس در حکم توکانی ایجاد تغییر دارد. همانطور که حجره کوچکی مثل پروانه این توکانی بزرگ، را دارد، مردم مصر نیز این توکانی را دانسته و این نظریه این را اثبات می‌کند که هر موجود زنده‌ای توکانی تأثیر در چهار را دارد (همان: 2004-2005).

نظام روایی رمان
با توجه به بافت داستان و نوع روایت راوا، کنش. کنش گران به شیوه‌های مختلفی روایت می‌شود و چون داستان به گونه‌ای است که در آن شخصیت‌ها هر کدام به شیوه‌ای خاص و احیانا متفاوت به دنبال رسیدن به اهداف خود هستند، بر این اساس نظام روایی این رمان نیز متفاوت خواهد بود و می‌توان چند نظام روایی به شرح زیر برای آن متصور بود:

نظام روایی اول:
فعال کنشگر، به‌ندره درکانی به سویش ارزش‌های خود، به‌ندره موفقیت در افزایش ضریب با لباس خود عازم‌ری می‌شود. هنگامی که کنش گر فعال به طرف شیء ارزشی خود رویه می‌شود، در این مسیر با توجه به تحولات رویه که در او به وجود می‌آید، کنش گر باری دهند، دکتر اشرف مسیر زندگی او را متحول کرده و در راه رسیدن به خواسته‌ها ای او را باری می‌کند و به او در فهم هویت خودش و ایجاد افتخاری درونی در آن کمک می‌کند. کنش گر باری دهند به عنوان دکتر اشرف که یک فعل سیاسی و مخالف حزب حاکم است، به گونه‌ای مسیر را برای ضحی کانالی که همسر یکی از سرای نظام است، به گونه‌ای متحول می‌کند که خود از مخالفین نظام
مناسبات و کارکردهای قدرت در رمان انجیه الغاشیه از محمد سلماوی

می‌شود و شیء ارزشی او از تبدیل ماده به هویت و در نهایت به پرچیده شدن نظام تبدیل می‌شود که خواسته‌های وی و اشراف و تمامی شخصیت‌های رمان است.

عامل بزدادرانه ضحیی، مدحت باشا همسر او و در مفهومی کلان‌تیر نظام است که به هر نحو سبب در خاموش کردن صداهای مردم دارد و مدحت باشا هم با وعده و
زنده قدرت ضحیی از طلاق دادن سر باز می‌زند. طلعت برادر ضحیی، دوستانش و در
نگاهی کلیت ساپر تظاهر کننده‌گان دیگر باری رسانده‌گان ضحیی به شمار می‌آیند.

زمانی که فاعل کنشگر به شیء ارزشی خود دست می‌یابد، تحولی عظیم در زندگی
و روحیه او رخ می‌دهد و به طور کلی شیء ارزشی او که در ابتدا کاهش گرفته و
سطحی و موفق شدن در یک شدید لباس پوشیده به تحولی عظیم و خواسته‌های بزرگ در
زنده گرفته و تبدیل می‌شود: تفکیک‌های زمانی و مکانی موجود در داستان باشد، مشه‌د
وضعیت ثانوی مهم نداشته باشد و حوادث و واقعیت‌ها در جنبش دانی به‌اشت و براین
این وضعیت وقوع پایبندی رخداده‌ای بزرگ و کوچک است که خود به تحول در داستان
منجر می‌شود (شعری: ۱۳۸۸: ۲۵).
تحول:

در مسیر خود به سوی ره زیر حضور اولین و تفییه به صدیق، کانیک و کردار دکتر اشرف الیاسی، یکی از میرود و موجه هویت کم شده و آزادی از دست رفته خود و هویت واقع خود و میهن اصلی خود می‌شود به دکتر اشرف الیاسی و اربابان این اتفاق ایمان می‌آورد و به شخصی بی میل به سیاست به دنبال سیاست می‌پیوندد و با وجوش ایجاد از خانواده حزب حاکم است ولی به خلل مخالفان می‌پیوندد و از جهدهای اتفاقاتی می‌شود.

خانمی که غرق در کار طراحی لباس و از سیاست و دنبال آن پوک و شورش از سران حزب حاکم و تبیه دخویش او طراحی و توصیف در این کار بود یا شخصی به نام دکتر اشرف الیاسی آشنا می‌شود.

نظام روابط دوم:

فاعل کنیشگر آیین الحموزای جوایز است که به بحران هویت، گم شدن مادر و جستجوی آن روبه‌رو است. مادر در ابتدا مادر واقعی وی است که سانعی بازدارنده(بدر) وی را از وصال به و واحدهای حکمت مادر، یکی از دوستانش به نام حسین به او کمک می‌کند و آدرس مادر را به او در طول می‌دهد. هم‌زمان وی با دوستان و نامزد او سلوی در تظاهرات خیابانی شرکت و دکتر اشرف الیاسی حمایت می‌کند و با ضحی کننده آشنا می‌شود. شب‌های انجیشی وی در ابتدا مادر شیری و سپس مادر حقیقی و ملی یا بدنی وطنی می‌شود و سردار جنگلی کردن مادر شیری با راهی مادر حقیقی اش از چنگال سرم مرکزان مقر می‌شود و یک کودک در پایان داستان به هر دو مقصود خود دست می‌یابد که در حقیقت یکی بوده و نمادی برای کشف هویت است.
در نظام روایی دوم نیز وقتی فاعل کنشگر به شیء آرزشی خود می‌رسد، در زندگی او تحول ایجاد می‌شود:

تحول:

سراتنج بعد از تلاش‌یابی به وقته وی به مادگی کم شده خود دست می‌یابد و این با پیوند جدید کننده نشان خورده که حکم‌کن در میان تحریک همزمان است. کشف دو مادر کم‌شده که در واقع هر دو یکی هستند و نمادی از هویت واقعی فرد است و ریسینان به این دو کنش کش را از جنس آزادی و سرزنگی سرشار می‌کند.

ایمن الحمراوی که در خانه از کمودی رخ می‌رود و از یک سو به فراموشی خود مشکوک است و از سوی دیگر زیر سلطه یبد، به کنشگر و پرامن سرزنگی مادرش می‌پردازد و به سوی جستجوی آن رویه می‌شود.

نظام روایی سوم:

در این نظام روایی کنشگران به طور عادی در پی دستیابی به هویت و اهداف گمشده خود هستند. کنشگران دکتر اشرف الزینی، ایمن الحمراوی، عبدالصمد الحمراوی و
ضحي الكتاني به همراه مشيره عبدالرحمن و حسن و سلو به دنبال هویات واقعی خود هستند. شیء ارزشی آنها وطن و راهایی آن است و عامل پر ارزش در جامعه مصر و عامل بزارانده آنها حرب حاکم است. در این راه سود بردنه خود کنشگران و عموی مردم مصر هستند و نهایتاً به شیء ارزشی خود و هویت واقعی خود می‌رسند. در این امر منجر به وقوع تحولاتی بر گذش گران و عامل مردم مصر می‌شود. در هر سه نظام روایی در داستان گسته‌های زمانتی و مکانی کوتاه بوده و همین امر باعث شده تا سیل و فرانگند تحول در داستان ستایش بیشتری داشته باشد و این امر باعث می‌شود تا فگثمان از خود و متن خارج شده و شکل گفتگو و یا ابتدالوزی به خود بگیرد (شیعی، 1388: 26).

پیرنگ (وضعیت سه‌گانه در داستان) است که در آن گذش از وضعیت ابتدا به وضعیت پایانی ایست، و در این سیر حرکتی میان این دو وضعیت دگرگونی صورت گرفته است و این امر در حقیقت همان گذش از وضعیت متعادل به وضع نامتعادل و نهایتاً بازگشت به متعادل اولیه است (خویت، 1371: 58). این رمان خود مشکل از روایت‌های این گذش به هر کدام با وضعیتی خاص شروع و پس از ایجاد دگرگونی هر سرناجب به وضعیت نهایی خود ختم می‌شود. وضعیت ابتدایی ضحی الكتاني با تغییر و تحولاتی که توسط دکتر اشرف الزنی در زندگی او ایجاد می‌شود، اولیه دگرگون شده و سرناجب با تمر نتشستن اقلام و جدایی از شوه سایش و پیوستن به دکتر اشرف الزنی به این وضعیت به سرناجب خود می‌رسد.
این بخشی از روایت است. روایت دوم دانستان را می‌توان در مورد خانواده ایم و مشکلاتی که برای وی برادرش افتاده افتخاد را مشاهد دهید. ایم، سالم‌تری خانوادگی در خانواده‌ای بسیار و مادرش زندگی عادی دارد، در میانه‌های منتشر می‌شود که این مادری که به اسم مادر در کنارش زندگی می‌کند، مادر او نیست و برای همین دچار آشفتگی و سردرگمی می‌شود و نهایتاً با کمک دوستان مادر واقعی خود را پیدا می‌کند و بی‌داد کردن مادر واقعی خود مکران است با پیروزی مردم و به تمر نشستن افتخاد و گویی ایم در ابتدا هم به دنبال همین مادر حقیقی خود بی‌عنی وطن و کشور بود. وضعیت عدل‌الصدم هم نیز به همین شکل است که هرکس به تبع اهداف و انگیزه‌های خود سعی در دستیابی به هویت و مقصد مورد نظر خود است، و جدای از شخصیت‌ها اگر وضعیت و پرورش کلی دانستان را بخواهیم در نظر بگیریم، سپر تحویل و وضعیت آغازین و پایان آن به شکل زیر است:
رمان با این وضعیت اولیه شروع می‌شود:

میانه تحریک به طور کامل احاطه شده، عبور و مرور مختل شده، همراه با ورودی‌های میدانی درای حجم و سیاست‌های ترافیکی است و شلوغی و سر و صداي تظاهر کنندگان در همه جا یازدای(سلاوایی، ۲۰۱۲:۲۷). ضحیکی از میان این شلوغی‌ها بازگاهی ورودی که تا مرز راه سفر به راه نموده کند، کان علی ضحیکی است. برای سفر به راه آماده شود (سلاوایی، ۲۰۱۲:۲۷-۳۰)

ایمین حمایت شخصی، دیگری دانستن نیز برای شناخت حقيقة مادرش باشد به طنطه سفر می‌کرد. چرا که به شک همدم، و طنطش را هم نمی‌شناسد و انسانی بدون هویت و بدون ریشه است (همان: ۱۶). در راه سفرش او نیز همانند ضحیکی گرفتار خیل ابتدای تظاهر کنندگان است. ایمین زندگی اش را با این تصویر که در کنار مادر واقعی خود زندگی می‌کند، گذراند و این روند ادامه داشت و او می‌تواند همه که مادر واقعی او بگوید. هرچند بروز دهه‌های تبعیض آمیز نامادری، این با خواهر کوچکش «تسری» او را به نمایش می‌آورد. نامادری (همان: ۱۸) علی در وضعیت آغام وسیع دانستان زندگی اش در کنار پدر و نامادری اش وضعیتی است که مشاهده می‌شود.

دکتر اشرفی از دانستن به وضعیت آغامه از هویت گونه اش نیز در روزیصادف در کنار ضحیکی اینکی در هواپیما می‌شیند و علی‌غم میل ضحیکی اینکی در اینکی را به همراه می‌کند و با او حرف می‌زنند از مهارت و ارتباط خانم یکی از سران حزب (نازهه می‌شود و خود را به همراه می‌کند) اینکی همیشه از مخالفان نظام است. با هم بحث می‌کند و از سیاست و انقلاب و تظاهرات سخن به
مناسبت و کارکردهای قدرت در رمان انجیه الافراشة از محمد سلماوی

میان می‌آورد و از اهداف انقلاب سخن می‌گوید و نهایتاً هر کس راه خود را ادامه می‌دهد (هیمان: ۱۸-۶۱). انسجام معنایی و شکلی و حفظ ان از مشخصه‌های وجود پرینگ در بر اثر ادبی است که در اینجا به خوبی شاهد آن هستیم (والاس، ۱۳۸۲:۵۷)

وضعیت میانی داستان را می‌توان به دو نیمه تقسیم کرد: نیمه اول درگوگنه‌هایی است که در رفتار شخصیت‌ها به وجود می‌آید و نوعی از ناسامانی‌ها در رفتار آنها ایجاد می‌شود که می‌توان آنها را ناشی از رفتار نیروهای تحریک کننده داستان و در نیمه دوم که قبیل این وضعیت پایانی داستان است و فضا را برای آن درپوش می‌کند درگوگنه‌ها ناشی از حکمران نیروهای سیاسی درنده است (آقوتی: ۱۳۷۲). وضعیت میانی داستان ضخیم کلنکی که با آشنا و با دکتر اشرف الزینی موجب درگوگنه و ضعیت اولیه شده، ابتدا در هواپیما و پس از آن در درم شکل می‌گیرد. در این راستا ضحی کلنکی که به صدای تغییرات و رفتار دکتر اشرف پی‌می‌برد و بعد از اینکه اشرف از خود و زندگی گذشتند شرایط صحیح کرد. از تنفی اولیه ضحی نسبت به او و است که شد و به صداق سخن‌شپ پی‌برد;

بگذارید بهم بگویم، وبدا یزول عنی تدریجیً الشهور بأن جارها هذا الجلایس الى جوارها في الطائرة يتعفف عليها أو يحمل نفسه في جابها. كان حديثه صادقا..(سلماوی، ۲۰۱۲:۴۵) بعد از این مرحله کم ضحی که اشرف عفوندم و مجذوب او شد. بعد از سفر نیز با دیدار کرد. از این طراحی‌های خود کمک گرفت و وقتی که متوجه شد که طراحی هایبیت مصري ندارد. از شرکت در پزشک‌ترین

با استمتعت الیه فی صمت، وبدا یزول عنی تدریجیً الشهور بأن جارها هذا الجلایس إلى جوارها في الطائرة يتعفف عليها أو يحمل نفسه في جابها. كان حديثه صادقا..(سلماوی، ۲۰۱۲:۴۵) بعد از این مرحله کم ضحی که اشرف عفوندم و مجذوب او شد. بعد از سفر نیز با دیدار کرد. از این طراحی‌های خود کمک گرفت و وقتی که متوجه شد که طراحی هایبیت مصري ندارد. از شرکت در پزشک‌ترین

روی‌بازی وردیگش که کافر سالاً هالمشد کسیده بود دست کشید: «اخیراً جاء اليوم الكبير، اليوم الذي كانت ضحی تشترط من فتره طويلة، اليوم الذي كان سيفتح لها باب العالمية وسط بيوت الأزياء الكبيرة... كانت قد اتخذت قرارها القرار الصعب الذي ظلت تطلع اليه طوال عمرها و الذي حالت دون كل ظروف حياتها... كانت له: بااختصار شديد لن استطاع عرض أزيانه هذا العام»(سلماوی،۱۳۸۲:۵۷)
بعد از این کار ضحی دیگری زده گذشته‌اش بیرون آمد و هویتی دیگر یافت. همه
ذهن‌ش به سوی دکتر اشرف و رفتار و گفتار او بود. کاملاً دیگر گون شده بود و
می‌خواست در سیاست با اشرف همراه شود و به دنبال هویت از دست رفته خود بود.
بعد از شرکت در کنفرانس‌های دکتر اشرف به قاهره بازگشت ولی این بار نه به خانه خود
بلکه به خانه برد. رفت و درخواست طلاق از شوهرش را داد. در این چا نبود
تخرب کننده‌ی شوهر ضحی از یک طرف و حکومت و سلطه از سوی دیگر است. از
یک طرف شوهر تن به طلاق نمی‌دهد و از سوی دیگر سران حکومت با ضرب و شتم
تظاهر کندگان و پرداختن آنها که در بین آنها اشرف و ضحی نیز هستند سعی در
تخرب کننده‌ی شوهر ضحی از یک طرف و حکومت و سلطه از سوی دیگر است.

وضعیت مبنای برای ایمن‌الحمزاوی نیز به این گونه بست که بعد از مطلع شدن از
اینکه نامادری اش مادر حقیقی او نبود، وضعیت شوهرش‌گون می‌شد و با ارتباط برقرار
کردن بین مادر و وطن برای راهی و استایلی به در حکمت می‌کرد که در این بین
دو نیروه تخریب کننده‌ی ادراش و حکومت) وجود دارد، ولی در کنار این نیروهای
تخرب کننده، نیروهای سامان‌دهنده وارد عمل می‌شوند. حسن دوست بهینه که
مادری حاچی حکم و در اداره ثبت احوال است با اهمکاری ای او مادر خود را پیدا
می‌کند و به سوی طنطا روانه می‌شود و در این راه هاله و سلوی نیز به او کمک
می‌کند.

در وضعیت پایانی دستان همه هدف‌ها به سوی یک هدف تجميع می‌شود و آن
هنگرکناری حکومت است. در وضعیت باپانی با همکاری تظاهرکننده‌گان و بوزه‌های فعالیت‌های خیری کسانی مانند هاله و سلوی و فعالیت‌های سری کسانی مانند مشیره و شمار بر حکومت و تظاهرات پی در پی مرد. سرانجام دکتر اشرف و ضحیی آزاد می‌شوند و نتایج قیام مردم به مردی نشیند. اقلال‌بند از دانش‌آموزان خود و خوانه‌پیش‌ای از جوانان سرانجام به مردی نشیند ضحیی با دیگر دوستان به دیدار دکتر اشرف می‌رود و خوشحالی خود را بیان می‌کند. اشراف جوانان اقلال‌بند را به ضحیی معرفی می‌کند و از تلاش‌ها و رضافتهای آنها سخن به ميان می‌آورد:

هؤلاء من خبرة شباب الوطن، لولا جهودهم و جهود زمانهایما تحریرتبلاد

(سالماوی، ۱۳۸۳: ۱۸۲)

هاله با حسن ازدواج می‌کند و سلوی با ایمن مقدمات ازدواج‌شان را فراهم می‌کند و همه به این جشن دعوتند جشنی که اساس سرای آزادی و یافتن هنوبی نو است. ضحیی از آزادی خورد و یا فتن هنوبی جدیدی خود به میان می‌آورد:

السجنهیکیبی‌که‌کنت‌اعیش‌فی‌هی‌ای‌یوم‌فقط‌افرج‌عیت‌(همان: ۱۸۴)

اشرف آزادی وطن را مقدمه آزادی ضحیی می‌داند:

آنایجبن‌ان‌تحریر‌البلاه‌کل‌هی‌می‌تخیربرک"(همان).

بعد از آزادی از بندهنوبی دروغ‌ورزندانی که سال‌ها ضحیی خورد را در آن می‌درد، بدون هیچ ترس و اندوه، خود رادر آغوش اشرف دید. این آغوش‌های بی‌نفع می‌شود یا یک دید. ایمن که صادق حقیقی اش از پیه‌بند می‌شود رها شده، بود آزادانه به بیدار مادر خود رفت تا او را نیز در شادی دست‌بافت به هنوبی جدی (آزادی وطن و ازدواج) شریک سازد و قسم به سوی آسانه افق‌های دوردست‌هیم‌ایندی‌آزادی‌را‌به‌nage‌بنشیند‌(همان: ۱۸۶). با برای‌هم‌سه‌وضعیت‌لوله‌ی‌می‌و‌یان‌داستان‌به‌نشک‌پری‌و‌ارزش‌آن‌در‌حفظ‌نامه‌ملی‌و‌رسیدن‌به

دلایل معنایی مشخص در آن بی‌می‌برم(محمدی، ۱۳۸۰: ۲۴۹).
نمودار روایت داستان

نیروی تخریب کننده:
در سیر روتات داستان به طور مطمئناً سلطه و حکومت یا قبایل‌های مردمی مخالفت می‌کنند و می‌سوزند در برابر و ترساندن شخصیت‌های مهم از جمله نیروی تخریب و شخمگیران دارد جوانان از رای می‌گیرند و نیروی تخریب کننده ضحی اکنونی به طور شایسته اوست که در روند قایم‌های سوسکی و تقلیدات از طلاق دادن از سبزی ونی و دستور بی‌باید یا ممکن می‌کند.

وضعیت ابتدايی:
محی در پی اهدا دولت‌فرزند (لباس) است. درک اشرف در پی اهداف سیاسی و دفاعی است. می‌توانید در پر از تقلیدات کندگان است و این جامعه از می‌باشد و در تقابل ناراحتی، شکستن شکستن ناراحتی، می‌گردد.

وضعیت پایانی:
جرای و قابلیت در دکتر اشرف الی‌آنا از نشست‌های طرحي و فلسفی نظر و همکاری دکتر اشرف روز به دنبال سیاست‌های آورده بمباران نظر معنی در خانواده حکم‌الکلاس می‌گردد. دیدگاهی از نظر معنی در خانواده حکم‌الکلاس می‌گردد. دیدگاهی از نظر معنی در خانواده حکم‌الکلاس می‌گردد. دیدگاهی از نظر معنی در خانواده حکم‌الکلاس می‌گردد.

نیروی سامان‌دهنده:
به نظر انی رمان و نیروی سامان‌دهنده حادثه به سمت پیش‌رود یا حزب حکم، فعالیت‌های تظاهرات تاکید شده به رهبری دکتر اشرف الی‌آنا، فعالیت‌های کتاب‌خوانی می‌باشد. دستور حمایت، مشروط، حقیقی، هدایت، سلیمان، به‌منظور می‌باشد، شکستن شکستن ناراحتی، می‌گردد.

مریخ معناشناسی داستان
برای پیرمرد این رمان می‌توان در مریخ معنایی در نظر گرفت:
رضایت و اینم در نگاه خاص و همه مردم مصر در نگاهی عام است گذشته خود و سردرگمی و چیزهایی که در آن قرار داشته‌اند عبور کرد و به نوعی یا گذشت و به‌منظور گذشته خود «نی» گفتند. ضحی در خانواده حکومتی زندگی می‌کنند و کارش
طراحی لباس است و لی بعده از آشنا با دکتر اشرف نه تناها از طراحی دست بر میدارد و طراحی های جدید را مبتلا به هویت خود نمی یابد، بلکه از آن را شو و با طلاق گرفتن از شوهر و ریاست به تظاهر کندگان، گذشته خود را نیز طلاق
می دهد:

...الحیاة التي أفتحها، فان لم تكن لي حیاة على الإطلاق. الآن لأول مرة أشعر بالحیاة ...أشعر بأن لي كياناً ...أشعر بالناس من حولي ...أشعر بأن لي هوية وآثرب

أنتمي لشعب و بلد، لهذا أرفض مدحت (سلماوي، 1359).)

این نیز همین گونه است. ای همین واقعی خود را ندارد و کسی که مادر ندارد

می تواند و هویت هم ندارد. ای هم از جهان بی هویتی به سوی هدف و هویت می شتابد:

فکریاً ان الوطن هو الأم فان الأم ایضاً هي الوطن، والإنسان الذي لا يعرف له أماً

لا يعرف له وطنأ، هو الإنسان بلا أصل... بلا جذور... بلا هویه (همان، 167).

حسن نیز با ابن نظر با ایمن هم عقیده است و مادر اصلی و هویت اصلی هر

فریدی را وطن او می داند. ای معتقد است که مادر اصلی مادر مصر گم شده و باید

دنیا و یکتا و یا به دست آورد. ای دنیا به همه دست اوردن هویت و مادری جدید

است:

اذا أيضاً أبحث عن أمي يا ایمن، الأم الكبرى. آمنا جميعاً. و كما تعرف انت اسم

ابنه آن ایمن أعرف اسمها، أطلال أخبارها في الصحف و أقرأ عنها في الكتب، كنتي

أبحث عنها حولي فلا أجدها. این تبحث عن تحقيق ذاتك مثلاً أبحث عن تحقيق

ذاتي. البلد كله يبحث عن تحقيق ذاته (همان، 91).
بر این اساس مربع معناشناختی زیر را می‌توان برای این قسمت از داستان تصور کرد:

![شکل]

مربع معناشناکی دوم که در این داستان می‌توان به آن اشاره کرد، گذشته از سلطه و حکومت به سوی دموکراسی و رأی مردم است. به عبارت دیگر «نه» جفت مدرم به شراحت حاکم بر جامعه و گذر به سوی شراحت جدید است. مردم مصر اگرچه در ابتدا و در قبال گروه‌های کوچک حضور پیدا کردنی ولی رفته بر تعداد آنها افزوده شد. حتی خود خانواده‌های حزب حاکم هم به خیل مخالفان پیوستند و نهایتاً با کناره‌گیری ارتش از حمایت حکومت و پیوستن آنها به مردم، کار حکومت یکسره شد. این واقعیت و مربع‌های معناشناکی موجود در داستان، به نویسی در ارتباط با قدرت و اثرات مثبت و یا منفی آن بر جامعه است که به تولید یک تفکر و با گفتمان در جامعه منجر می‌شود (میلار، 2012: 33).

**تفنیم اجتناب افراشته بر اساس نظریه میشل فوکو**

در این قسمت از تحلیل رمان، متن را بر اساس آراء میشل فوکو در مورد دو مستند قدرت و جنسیت بررسی می‌کنیم. در بخش تحلیل قدرت به بررسی قدرت فرد و نهاد اجتماعی و قدرت فرد و دیگری، و در بخش تحلیل جنسیت به قضیه جنسیت فرد و دیگری می‌پردازیم:
قدرت فرد و نهاد اجتماعی
نوشتی دانست همه‌سان است با تظاهرات‌های مرموز بر علیه حکومت حسنی مبارک و وقایع و اتفاقات میدان تحریر و بعد از آن به تمر نشست تظاهرات‌های مرموز بر علیه حکومت. هدف این انقلاب، مبارزه با ظلم، فرس، قرق، استبداد و خلافان حاکم بر جامعه بوده است. از منظر فوکو، به دنبال شورش داششجویان فرانسوی در 1968 و وقایع مرتبط با آن، روشنفکران موجه انحطاط، چشم‌بندی و ناتوانی مارکسیسم در روابط با بسیاری از مسائل همچون سیاست زنان، روابط زنان و مردان، روانپزشکی و بزهگاری شدند. بنابراین روشنفکران کلی نگر که منطق و چپ تاریخ را عامل تغییر کننده مناسبات اجتماعی می‌دانستند، یکی از عوامل در احزاب هیچ دستگاه سیاسی اجتماعی نست، پلکه در سراسر شبه کنترل اجتماعی وجود دارد (فولادوند، 1376: 27-28). یکی از مسائلی که فوکو در بحث خود از قدرت به آن می‌پردازد قدرت نهادها بر افراد است و این قدرت تا زمانی که با مقاومت روبرو نشود نمی‌توان آن را قدرت نامید (همان: 63) قدرت و مقاومت در این رمان جلوه‌های مختلفی دارد که به چند مورد اشاره می‌شود:

اواین نمونه از اعمال قدرت نهاد اجتماعی بر افراد در این رمان، ایجاد اکیپ‌های امینتی و گشت‌ها و دفتری از تجمع مردم است. اطراف میدان تحریر توسط نیروهای امینتی بسته شده و عبور و مراقبت شده است:

کنترل قوات الأمن مرکزی تلف کالحافین منبع. کسور برلین القیم. کالحافین
الفولاذی جدید الذي يفصل مصر عن غزة (سماوی، 2012: 8).
برایی گشت‌ها بازرسی و مراقبت یکی دیگر از نمودهای اعمال قدرت نهاد اجتماعی بر افراد است. طلای زوجان تظاهرات نیروهای امینتی به همه جای سراسر ایران، عبور و مرور را مختل کرده‌اند و همه افراد را مورد بازرسی بدنی قرار می‌دهند:
کان الطريق مغلقاً و خلف المشارب وقتی عربة الأمن العسكري المحملة
بالمسافر فحالة التغییر اوقفت كل الماره بالشروع... حمله التغییر اوقفت سیره
المیکروباکی تکان استقلالها وانزلت جميع الرکاب ووقت أحد الضیافت باحتجاج
السائق. (همان: ۱۷).

تفشی، بازرسی و سختگیری‌های نیروهای امنیتی عبور و مرور و وقت آمد را
مختل کرده و منع از رسیدن مردم به اهدافشان می‌شود. مردم و قشر روشنفکر جامعه
با سیاست‌های قدرت مخالفند و قدرت هم در برقرار این مخالفت کوتاه نیامده و از
ابزارهای متنوعی برای جلوگیری از اقدامات مردم استفاده می‌کند و این همان چیزی
است که فوکو از آن به عنوان تنبخه و یا مجازات یاد می‌کند(فوکو، ۱۹۸۱: ۱۱۳).

فوکو با بررسی نهادهای جون زندان، تیم‌مرستان، مدارس به این نیتیجه می‌رسد که
روابط قدرت، در هر یک از این نهادها نوع خاصی از دانش را ایجاد کرده که در جایگاه
حقیقت فرا گرفته است. در واقع فوکو دیگریستی که پیام رابطه میان توری و عمل
را وارگون می‌کند؛ رابطه‌ای که توری راهمی از عمل قلمداد می‌کرد. در مقابل این
آن است که توری خود یک عمل است؛ توری محدود به شرارت مشخص که حالتی
کلی و جهان شمول ندارد. توری با مبارزه بر ضد حکومت سیع دارد قدرت و آمیزه آن
را اشکار کرده و نهایتاً تضعیف و تسخیر کند. بنابراین چنین مبارزه‌ای منجر به آگاهی
ناگهانی از نهادها نمی‌شود. نهادها قادر هستند حتی پهلو از روشنفکران را خود را
بیابند. اما نظام قدرت از ابراز این گفتمان جلوگیری به عمل می‌آورد. روشنفکران نیز
خود بخشی از این نظام فراکر قدرت هستند. آنها درون توده‌ها و نه در رأس آنها قرار
دارند و می‌یابید بر ضدع اشکال قدرتی مبارزه کندن که خود هم موضوع و هم ابراز آن
هستند؛ مبارزه‌ای که در حوزه دانش، حقیقت و اگاهی و گفتمان صورت می‌گیرد
(همان: ۶۵).

قشر روشنفکر یکی از مخالفان سرسخت حمایت به شمار می‌آید و اقداماتی که
حکومت بر عليه آنها انجام می‌دهد. در قالب بازداشت، شکنجه، زندانی، بردن به مکان‌های نامعلوم و محدود کردن آزادی‌های وی وی باشد. برای همین در گذشته دکتر اشرف فعالیت سیاسی او را می‌پیشیند که به خاطر اینکه رهبر گروه مخالفان بود در زمان انور سادات بازداشت شد. 
وکان زعیماً للطهارة فعاقتلنه قوات الأمن بالجامعة في عهد السادات. (سلماوى، 1972: 24). 

در زمان حاضر و در شرایط فعلی نیز قدرت از چنین ابرزی برای سرکوب مخالفان استفاده می‌کند: راهی‌سال برجامی تجمعات دانشجویی می‌شود (91). گاهی روزنه‌ها را ساسور می‌کند و اخبار دروغ و پیروUNS(42). بی دانشجویان به صورت امتنع به خورد می‌کند و آنها را از دانشگاه اخراج می‌کند (91). تظاهر کندگان را بیا می‌کند یا شکنجه می‌کند و یا بازداشت می‌کند و یا از هر وسیله‌ای برای پرکنده کردن آنها استفاده می‌کند (34).

فوكو، مبان دو نوع روشفکر تیپن قائل می‌شود. روشفکر عالم و روشفکر خاص.

روشفکر عالم از حقیقت و عدلات سخن می‌گوید و نمونه شاخص آن، روشفکر چپ می‌باشد. چنین تعیینی از روشفکر که می‌تواند میراکسپسم باشد، او را همچون چهره‌های مشخص نمودار می‌کند که به توده‌ها آگاهی می‌دهد و آنها را بر علیه سرمایه‌دار می‌سپیس می‌کند. (عکس‌نامه: 34). یکی از بزرگ‌ترین مدل‌های روشفکری که دارای حضانت انتزاعی و ایده‌آلیست روشفکر خاص، عادات و شیوه‌های عمل و انیشیدن می‌تواند. قاعدتاً که به‌نواحی را از تو ارزیابی می‌کند "و برمی‌خواهد همین دوباره مسئله کردن (که در آن روشفکر حرفه خاص روشفکری) اش را ایفا می‌کند. در شکل گیری اراده سیاسی (که در آن می‌باشد نقش روشفکری اش را ایفا کند) شرکت کند (فوكو، 1990: 1379). 

در این رمان روشفکران عالم (عمره مردم) و روشفکران خاص (شرف، میره)
ضحي، هاله، حسن، ایمن، سلیم) در کنار هم قرار می‌گیرند و با کمک یکدیگر و همکاری یکدیگر در پیشبرد اهداف خود فعالیت دارند ولی برخورد قدرت فقط با شهر روشن‌فکر خاص است از این رو می‌پیشیم که فقط دانشجویان و اساتید دانشگاه در معرض تشبه قدرت علی پاریزن با سلب استیزه‌ای قانونی آنها می‌شود. قدر روشن‌فکر که به رهبری ارف در برای اصلاح قانون، برجستن فساد و تبعیض و توجه به همه افشا جامعه هستند. اما برخورد حکومت با آنها بستگی داشتند با یکدیگر آماده‌سازی. اشرف بعد از سخنرانی در مورد اصلاح قانون مربوط به ودود و ورودی وزارت ولی قدرت به نام حکومت با ضرب و شکنجه و زدن و متفرق کردن آنها پذیرایی می‌کند. وقتی شخصی می‌خواهد ضحی را کُنک بردند و اشرف مانع می‌شود خود را به عنوان حکومة معرفی می‌کند. حکومة که کسب نمایی باد او به‌گویه:

"آن تضرب اگری اگر کنت ترتیب آن تخریب می‌شه سالمان." آلا تعرف من ان

تحت ه؟ آنا الحکومة. (سلماوی. ۲۰۱۲: ۱۳۴)

وقتی مردم و نظاره‌گران و جوانان به کارهای حکومت و قدرت اعتراض می‌کنند، جواب آنها فقط بایوم و چوب و شکنجه است و در نهایت گردن و بایدانش کردن افراد سرشناس:

انقض اقدار قوانین امنیتی الشهابان، افراد باله‌های قدرت‌القادی، به‌ویژه همیشه در کنار خود حکومة، اشرف و قائم‌الاضابه انتقادی بی‌پروفسوری که معمول می‌شود. ظالماندگان و دختران و زنانی کردن جوانان شعار داده (۱۴۲): حکومة را تهدید کرده که باید کسی به‌طور به‌هم‌کلاس اشرفت کنند (۱۴۳) بدون هیچ گونه مطالعی از اینگونه اشرفت کرده و به جای

نامعلومی می‌برند (۱۵۳).
یکی دیگر از موضوعات قدیم نهاد اجتماعی بر فرد، قدیم مدخت شوهر ضحی است که به واسطه انسان‌شیت به حزب حاکم بر تراکم گیری‌های ضحی و حتی در سطحی کلانتر، کل جامعه اضطراب‌دارند. از مسیر را برای حرکت ماشین ضحی یازمین کنند (۸). در خارج از کشور همه امکانات را برای فرآهم می‌کند (۸۰ به بعد)، سفارت می‌کند (همانجا). یکی از همه این‌ها که انتخابات بر فرد و رابطه بین مدخت شوره ضحی و خود ضحی اتفاق می‌افتد. جریان طلاق یا است. بعد از آن‌ها ضحی با یکدیگر و شوره‌سازی‌ها که در زندگی او به وجود آمد، او یک طرف از سران حزب حاکم است و دارای قدیم زیاد است و از طرف دیگر چون تام‌در انتخابات نهاد است، هدف خود او ایند خود را به ضحی تحمیل می‌کند و از پذیرش طلاق در شرایط کنونی سر برای می‌زند و طلاق را به این شرط قبول می‌کند که ضحی تا پایان انتخابات صبر کند چون در غیر این صورت ممکن است به شهرت سیاسی اش صدمه بزند:

کان له فقط طلب و جدیدهو و مال نمی‌پذیرد الیکن انتخابات

العامه هو أحد آمین طلیعی حزب و مثل این الیکن سیاست فرصة نباید!

المعارضة لاستغلال موضوع ضحی و اختلال ماشین‌های از آگاهی (همان: ۱۳۱). طبق آنچه گذشت بنا بر نظر فوکو قدیم زمین‌نما نیست می‌کند که معارض و مخالف وجود داشته باشد و منابع قدیم زمانی معلوم می‌شود که فرد در مقابل قدیم از خود مقاومت‌نشان دهد و این مقاومت منجر به تنبه و مجازات می‌شود یا مجازات قدیم که در قابل انتقال‌ها صورت می‌گیرد با مجازات‌های مقاومت کننده در برخی قدیم که شامل انواعی و روشهای مختلفی از تعذیب و شکنجه و غیر آن می‌شود (فیل، ۱۳۸۱:۱۱۴).
قدرت فرد و دیگری

از دیگر مفهومی که در گفتمان فوکو و چند دارد، گفتمان قدرت فرد و دیگری است که در آن قدرت به مثابه تسلط با افراد بی قدرت و ضعیف نیست. فوکو از قدرت معنای دیگری ارائه می‌دهد. این انتظار دارد افرادی که قدرت بر آنان اعمال می‌شود، در برابر آن مقاومت کرده و رفتار جدیدی از خود نشان دهنده قدرت از نظر فوکو به روابطی اشاره دارد که منظف، چند جانبه، متحرک و قابل مقاومت باشد(فولادوند، 1376: ۳۴۲).

قدرت فرد و دیگری در این رمان به شکل‌های مختلفی برای کرد که به چند مورد اشاره می‌شود: اولین مورد از قدرت فرد و دیگری را در قدرت مادر ضحی بر خانواده ای می‌پیماید که عملاً یک کننده در همه کرده است؛ درس خواندن، ارتباطات و مهمتر از همه اردوگاه: مادر ضحی از خانواده نسلی بود و در تصمیم‌گیری هایش مستند بود.

هی بی که اتخاذ قرارات در چه ما ذیل باعث و حیی که اولاد کننده هی پنهان اتخاذ قرارات نخواهند. و قد استیم لیا نمایند دون مقاومت اضافی

(سماوی، ۱۳۸۲: ۳۶).

مادر در همه تصمیم‌گیری‌ها مستند بود و قدرتش بر همه می‌چربد و همه تسیم محض او بودند به جز ضحی و این از نمونه‌های بارز اعمال قدرت فرد و دیگری است و این همان چری این که فوکو از آن به قدرت تاثیر در زندگی تبدیل می‌کند و به اصطلاح آن را مکاشفی اصلاح گر و نظم بخش می‌داند(فولکو، ۱۳۸۱: ۱۲).

ضحی گنا به تصمیم مادر مجروح بود در دانشگاه خاص، مدرسه خاص و با اشخاص مخصوص، آمد و شد کن(سماوی، ۱۳۸۲: ۲۷) زمانی که او دانشگاه بود و مادر مشورت ازدواج را راه کرده بود. برای اینکه از قید و پنج گذاشته شود آن را نپذیرفت و اینکه از قید گذاشته و در زندان افتد، حالا مادر به همان گونه که برای دیگران همسر اختیار کرده بود برای ضحی هم شوه‌بری به نام مدخت
الصفتی فرزند یکی از افراد حزب حاکم را انتخاب کرده و بالاخره قدرت خود را بر گرفت. این حکم در ابتدا به‌طور ناشناخته و با خوانندگان که در زندگی می‌گذرد و در اهداف خود به‌طور مستقیمی می‌پردازد و در اطراف و سفارش‌های اجتماعی شوهرش به‌طور اجباری تن داد ولی از نظر فوکو زمانی که فردی به خواسته کسی گردید پیشنهاد این قدرت را نمی‌توان قدرت به شمار آورد. چون قدرتی باید با مقاومت همراه باشد. قدرت اگرچه در ابتدا به واسطه‌های مختلف نفوذ خود را بر ضحی سیطره داد ولی سرانجام همان مقاومت اولیه ضحی دوباره در وقوع شعله‌برد و منجر به عدم پذیرش شد. ضحی در ازدواج خود ناموفق بود و چون شوهرش در حاکمیت جنسی بود. بچه در نشته ولی چون قدرت و حاکمیت با او بود هیچ وقت سختی در این باره به میان نیاورده (سالماوی ۱۳۸۱: ۱۲).

تودیه آریا مقاومت ضحی شکسته شد و به ازدواج اجباری تن داد ولی از نظر فوکو زمانی که فردی به خواسته کسی گردید پیشنهاد این قدرت را نمی‌توان قدرت به شمار آورد. چون قدرتی باید با مقاومت همراه باشد. قدرت اگرچه در ابتدا به واسطه‌های مختلف نفوذ خود را بر ضحی سیطره داد ولی سرانجام همان مقاومت اولیه ضحی دوباره در وقوع شعله‌برد و منجر به عدم پذیرش شد. ضحی در ازدواج خود ناموفق بود و چون شوهرش در حاکمیت جنسی بود. بچه در نشته ولی چون قدرت و حاکمیت با او بود هیچ وقت سختی در این باره به میان نیاورده (سالماوی ۱۳۸۱: ۱۲).

علایه بر قدرت جامعه نسبت به زن حساس است. از منظر لین جامعه زن باید در هر صورت تابع خانواده و مهیطن باشد که در آن زندگی می‌گذرد و برای همین در جریان مخالفت‌های ضحی با شوهرش سطح خنودگانی ای طلاق را بر نمی‌تأبی (قدرت خانواده و فرد) و از سوی است سکوت کند و به خواسته‌اش اهمیت نماید و در دهدارمان: ۷۲ ولی همگان‌که گذشته چراهای مخالفت و مقاومت در ضحی وجود داشت و زمانی که یک در گروه‌های قرار گرفت که از جامعه صندوق صحت
مناسبی و کارکردگی قدرت در رمانت انجمنه الفبانه‌ایر محمد سلماوی

می‌کند، به حقوق انسان‌ها احترام می‌گذارد و به آن ایمان دارد (عنی دکتر اشرف) (همان: 119). جرأت و جهارت نشانیده‌ای بیشتر می‌شود و موضوع نارضایتی از شوخی‌ها را با برادرش در میان می‌گذارد و در خواست طلاق می‌کند و ناگویشانی می‌کند. و اینگونه مقاومت در برای قدرت تنیه می‌دهد و ضحی که می‌باشد تابع می‌یابد، به مخالف تبدیل شد و نه تنها مجازات نشد، بلکه باداشت هم گرفت.

از دیگر موضوع قدرت فرد و دیگری در این داستان، قدرت بر این ایمن و تسلط وی بر آنها است. بر این ایمن به دروغ نامادریشان را به یافتن مادر به آنها معرفی کرده است. وقتی ایمن از مادرداش با خبر می‌شود و می‌فهمد که مادرش کسی دیگری به هدیه است، می‌پیشنهاد می‌کند که مادرش زده است. می‌گوید که مادری است (سلماوی، 2012: 200). ایمن ولی با به قاعده عدم پذیرش و مقاومت، حرف یاد را باعث نمی‌کند اگر رای را اینی کند او را سرین چین می‌کند. و آدرس مادر را از او می‌خواهد (همان: 323) وقتی پدر از دادن اطلاعات او را مأموری می‌کند از هر راه حاکی برای رسیدن به مادرش استفاده می‌کند و برای همین از مادر دوستش کمک می‌گردد و آدرس مادرش را در حالی که زنه است، پیدا می‌کند. مجموعه این قدرت‌ها و اعمال نفوذی‌ها که نوستنده آن برای اهداف دیگر و ایدئولوژی خود استفاده کرده، مقاومت و عدم پذیرش را در پی داشته که سرانجام به مخالفت با قدرت، تنزیفتن آن و برماندی آن ختم می‌شود و این خودش دوباره نجگ به خلق قدرتی جدید شده که با سازگاری و گفتن‌های مورد انتظار مزین تطابق دارد (فوقه 1379: 347-348).

نتیجه‌بندی

1. آنچه از رهیافت بررسی رمان بر مبنا اگلی کشی گراماس و تجزیه و تحلیل نظام روایی داستان حاصل شد، نشانگر این است که کنشگران و هفت عاملی کنشی
داستان بر مبنای پیرنگی دقیق سیر حوادث داستان را به سوی مقصود اصلی نوبتی می‌دهد. همان تحول و رسیدن به هویت، سپس داده است. موقعیت‌های مختلف داستان (موقعیت اولیه - منابع و پایانی) و سیر تحول در داستان حاکی از آن است که نوبتی در انتخاب حوادث و ارائه آنها موفق بوده. ساختار مرتب و به روایت و اصول اساسی روایتگری را رعایت کرده. با ایجاد گست میان کنشگران و فرآیند نوبتی مختلف سیر رویداد را به گونه‌ای گذشته ترسیم نموده است. دو نظام روایی و دو سیر تحول مشخص در داستان از لحاظ روایت شناسی قدرت نوبتی در بسط حوادث و ساختار مناسب داستان را نشان می‌دهد. کنش، تحول و ساختار هر‌یک به سه روند فرامنی داستان یعنی تحول در فرد و جامعه، انقلاب و هویت‌یابی اشاره دارد. در این رمان دو مرحله معاونت‌شناختی ترسیم شد: هویت تم غالب رمان است و هویت پایی خویشته مردم. آنها برای هر همین با یی هویتی به مقابل برخاسته و آن را نقطه کرده و به سوی هویت جدید حرکت کردها. در مرحله معاونت‌شناختی دوم گذشته از سلسله به دو مرحله تبخیری شد که در آن مردم با مقابل برخاسته سلطه و نقطه آن به سوی تغییر گام نهادند. هم در عمل کنشها و کنشگران در داستان و هم در مرحله معاونت‌شناختی داستان، نوبتی قدرت و حاکمت و قوه‌های سلطان آن بر مردم را به تصویر کشیده و این تصویر به گونه‌ای است که اعتراض، مبارزه و انتقادات را در پی دارد. در اینجا به هدف و سوْل مالا که مبنای فکری نوبتی می‌باشد در بسط ساختاری داستان است، مرسوم و آن این است که ساختار و پیزش داستان، کنش کنشگران، معانی اصلی و مرز معاونتی داستان در راستای کارکردهای قدرت تعیین شده و نهایتاً با نظر گرفته به قدرت بر علیه آن شوره‌یابه‌ی است. در تحلیل گفتگوی دوم که مردم بر اساس گفتگو قدرت میشل فوکو مورد بررسی قرار گرفت، روابط قدرت فرد و نهاد اجتماعی، قدرت فرد و تاثیر مورد بررسی قرار گرفت. در رمان نوبتی در جاهای مختلف به مناسبت قدرت و تسلط آن بر مردم
در قالب‌های مختلف اشاره کرده است. مردم علیه ظلم، ستم، خفقان، تجاوز، وطن فروشی و غیر آن قیام کرده و حکومت در قالب مناسبات بین قدرت و فرد در قالب شکنجه، آزار، بازداشت و... تسخیر خود را با آنها تحمیل کرده، وی از انگیزه که مقاومت شرط اصلی می‌باشد بر قدرتی است. مردم قیام کرده و به پیروزی نشستند. در تحلیل قدرت فرد و دیگری، قدرت‌ها در قالب نهادهای کوجک و بزرگ سلطه خانواده، نهادهای اجتماعی) به‌گونه‌ای مختلف تسخیر خود را بر مردم تحمیل می‌کند. حکومت و نهادهای کوجک آن را تحمیل شرایط خود بر مردم آنها را به ستوه آورده و این امر منجر به اعتراض مردم و ناراضیانی آنها شده که نوبنده در قالب وازگان آن را به تصویر کشید است. از لحاظ ساختاری و مناسبات قدرت، سلطه از مردم در راستای منافع خود بهره برده و از جامعه تقویت کرده، حقوق آنها را رعایت نمی‌کند و قدرت اختیار را از آنها سلب می‌کند. نوبنده با ذکر این مسائل و اوردن گذشته‌ای برای از مصر قدیم، مردم را بر علیه حکومت می‌شوراند و آنها را به حقوق خود بازمی‌گرداند.

منابع
- آقا‌کلری، نویسنده (۱۳۸۵). تحلیل قانون انتقادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اخوت، احمد (۱۳۷۱). دستور روان دستان، اصفهان: فرد.
- بارن، رولان (۱۳۸۵). درآمدهای بر تحلیل ساختاری روابط حکومتی محمد راغب، تهران: فرهنگ سیا.
- برسرل، چکلر (۱۳۸۵). درآمدهای بر تئوری‌ها و رویکدهای تئوری‌پژوهی مصطفی عابدی‌فرد، تهران: تیلور.
- بیهار، شیخ‌الامین (۱۳۷۹). درآمدهای بر تحلیل قانون‌های، مجموعه مقالات قانونی و تحلیل قانونی.
- تهران: انتشارات فرهنگ گفتگو.
- دریفوس هیربرت، پ. راینیو (۱۳۷۶). میشل فوکو در ساختاری و هموگونیک ترجمه حسن بشری. تهران: تشرین.
- الفلسطینیة: إبراهیم نصرالله، بيروت: المؤسسة العربية للدراسات والمجلد "القمر".
- جمان.
- مکیشاک، آریا رما. (1380). دانشگاه نوری هاها دبیر معاصر، ترجمه محمد نیوی و مهران مهاجر.
- تبریزی، اسد.
- تهران: پریش.
- بیژنی، ناصر. (1384). لغة الشعريه و تجليها في الرواية العربية، بيروت: المؤسسة العربية للدراسات والمجلد "القمر".
مناسبات وكاركردهای قدرت در رمان اجتنبة الفرائسه از محمد سلماوى

- http://www.youm7.com/story/0000/0/0/-/33809
- https://ar.wikipedia.org/wiki/%D%AE%D%AD%D%AE%D%AE%D%AE_%D%AB%AE%D%AE%D%AE%YD%AE%DA%AE
- http://www.elcinema.com/person/ ١٠٦٣٣٨

دار البيضاء

پایگاه اینترنتی